



نگاهی به
روانشناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

حجت الاسلام دکتر محمد کاویانی

پاییز ۱۴۰۴

کاویانی، محمد، ۱۳۴۱ فروردین -
نگاهی به روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی / محمد کاویانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه،
معاونت پژوهش، دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی، ۱۴۰۴.
۲۳۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۲؛ روان‌شناسی: ۷۰)
ISBN: 978-600-298-578-1
بها: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۱۱] - ۲۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. روان‌شناسی اسلامی. ۲. Islam -- Psychology.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه. معاونت پژوهش. دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.
BP۲۳۲/۶۵ ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی
۱۰۱۶۲۰۰۷



نگاهی به روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴
تعداد: ۱۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم-سبحان
قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۷۸-۱

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است..
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوط برداشته شود؛ ازاین‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی برای نیل به هدف یادشده، پانزدهمین اثر مشترک خود را با عنوان «نگاهی به روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این اثر به عنوان متن درسی «روان‌شناسی اسلامی» برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در گرایش‌های مختلف و عموم علاقه‌مندان به مباحث روان‌شناسی اسلامی تألیف شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از زحمات مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی و نیز ارزیابان محترم طرح، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا سالاری فر و دکتر جعفر هوشیاری صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

معاونت پژوهش حوزه

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: چیستی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

آیا روان‌شناسی اسلامی با رویکردهای موجود می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی باشد؟ ۶
نبود انسجام و جامعیت در روان‌شناسی معاصر ۶
تاریخچه اندیشه روان‌شناسی اسلامی ۷
پیشینه‌های علمی ۹
گسترده‌گی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی ۱۴
جامعیت روان‌شناسی اسلامی در سه بُعد «فلسفه روان‌شناسی»، «نظریه‌ها و مفاهیم» و «کاربردها» ۱۶
موضوعات و قلمرو روان‌شناسی اسلامی ۱۸
مسائل روان‌شناسی اسلامی ۲۱
فرضیه‌هایی در «روان‌شناسی اسلامی» ۲۸
خلاصه فصل یک ۳۱

فصل دوم: مبانی نظری و پیش‌فرض‌های روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

مبانی انسان‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام ۳۷
مبانی هستی‌شناختی ۴۱
مبانی اعتقادی ۴۳
پیش‌فرض‌های روان‌شناسی قرآنی ۴۵
توصیفی یا تجویزی بودن روان‌شناسی اسلامی ۴۸
دیدگاه‌های مخالفان علوم انسانی اسلامی ۵۰
خلاصه فصل دو ۵۰

فصل سوم: چرایی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

۵۵	اهداف روان‌شناسی معاصر.....
۵۶	روان‌شناسی معاصر شاخه‌ای از علم مدرن.....
۵۸	کاربرد روان‌شناسی اسلامی.....
۶۰	مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن.....
۶۲	ضرورت روان‌شناسی اسلامی.....
۶۵	آسیب‌شناسی روان‌شناسی معاصر در ایران.....
۶۸	نقطه عزیمت روان‌شناسی اسلامی.....
۷۲	اهداف نظری و کاربردی روان‌شناسی اسلامی.....
۷۵	جامعه اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی.....
۷۵	انسان‌سازی مقدم بر جامعه‌سازی.....
۷۶	فرایندها و سازوکارهای جامعه‌سازی.....
۷۶	۱. ترسیم یک مدل مفهومی برای «جامعه اسلامی» از متون اسلامی.....
۷۷	۲. تلاش برای هضم نشدن در جامعه جهانی و جهانی‌سازی فرهنگ غرب.....
۷۸	۳. فراهم‌سازی پیش‌نیازهای علمی و فناوری و سازوکارهای اجرایی‌سازی آن.....
۷۹	خلاصه فصل سه.....

فصل چهارم: امکان روان‌شناسی اسلامی و مفاهیم اساسی آن در روان‌شناسی تأسیسی

۸۱	تحقق‌پذیری «روان‌شناسی اسلامی».....
۸۲	راهبردهای نظری.....
۸۳	گام‌های عملی.....
۸۳	بعضی از مفاهیم اساسی روان‌شناسی اسلامی.....
۸۵	خداآواری.....
۸۶	معادآواری.....
۸۷	ایمان به غیب.....
۸۸	دو بعدی بودن انسان.....
۸۸	نفس.....
۸۹	تأثیر نفس و بدن بر یکدیگر.....
۸۹	نمونه‌هایی از تأثیرات متقابل نفس و بدن.....
۹۱	مراتب نفس.....
۹۲	عقل.....
۹۴	شیطان.....
۹۵	فطرت.....
۹۷	قلب.....
۱۰۰	خلاصه فصل چهار.....

فصل پنجم: رویکرد حداکثری به روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

دیدگاه‌های مختلف درباره روان‌شناسی اسلامی.....	۱۰۷
ویژگی‌های رویکرد ترمیمی.....	۱۱۰
۱. مبتنی بودن بر «ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها».....	۱۱۱
۲. نبود تمرکز بر تمام ارکان روان‌شناسی.....	۱۱۲
۳. نبود تمرکز بر «هماهنگی روان‌شناسی با دیگر علوم اسلامی».....	۱۱۳
۴. نبود تعمیم یا تغییر روش در روان‌شناسی اسلامی.....	۱۱۴
۵. نبود نگاهی پارادایمیک به روان‌شناسی اسلامی.....	۱۱۵
ویژگی‌های رویکرد تأسیسی.....	۱۱۶
۱. مبتنی بودن بر رویکرد سیستمی.....	۱۱۶
۲. قرار گرفتن ذیل هندسه معرفتی اسلام.....	۱۱۶
۳. پیروی اهداف کاربردی از هندسه معرفتی اسلام.....	۱۱۷
۴. ضرورت مسئله‌گزینی از جامعه و متون اسلامی.....	۱۱۷
۵. مبتنی بودن بر چند پیش‌فرض اسلامی.....	۱۱۹
۶. نبود انحصار در روش تجربی.....	۱۲۰
تفاوت‌ها و تشابه‌های «روان‌شناسی اسلامی» با «روان‌شناسی معاصر».....	۱۲۱
تشابهات.....	۱۲۱
تفاوت‌ها.....	۱۲۲
خلاصه فصل پنج.....	۱۲۴

فصل ششم: رویکرد سیستمی در روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

نگرش سیستمی.....	۱۲۷
الف) تعامل بین عناصر مفهومی اسلام.....	۱۲۸
ب) کلیت اسلام بیشتر از حاصل جمع ساده اجزاست.....	۱۲۹
ج) مفاهیم اسلامی ساختار و کارکردی نظام‌مند دارند.....	۱۲۹
د) این سیستم مفهومی مانند هر سازمان انسانی و اجتماعی دیگر پیچیدگی‌هایی دارد.....	۱۳۱
چیستی هندسه معرفتی اسلام.....	۱۳۱
ضرورت بحث از هندسه معرفتی اسلام.....	۱۳۳
امکان نمایش آن در یک نمودار.....	۱۳۴
جایگاه روان‌شناسی اسلامی در هندسه معرفتی.....	۱۳۸
خلاصه فصل شش.....	۱۴۲

فصل هفتم: فرایند شکل‌گیری روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

ضرورت مسئله‌گزینی از جامعه اسلامی موجود یا مطلوب.....	۱۴۵
ایجاد مدل‌های مفهومی سازوار روان‌شناختی از قرآن.....	۱۴۸

انواع پژوهش‌های محتمل اسلامی - روان‌شناختی به منظور شکل‌دهی مدل مفهومی	۱۵۴
فرایند شکل‌گیری روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی	۱۵۵
انواع مطالعات نظری اسلامی - روان‌شناختی	۱۵۵
الف) واژه‌های روان‌شناختی قرآن	۱۵۶
ب) آیاتی که کلیت آن معنای روان‌شناختی دارد	۱۵۶
ج) بررسی مفاهیم روان‌شناختی که واژه قرآنی - حدیثی ندارند	۱۵۷
د) مطالعه اصطلاحات روان‌شناختی خود قرآن	۱۵۷
ه) انسجام‌بخشی هریک از شاخه‌های بنیادی روان‌شناسی	۱۵۷
و) منظومه‌سازی برای کلیت «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی»	۱۵۹
۱. فراهم‌سازی مدل اجرایی در سطح جامعه	۱۶۰
۲. ارزیابی مدل‌های مفهومی در میدان عمل از راه مدل‌های اجرایی	۱۶۲
۳. رسیدن به نظریه	۱۶۳
۴. رسمیت قانونی یافتن	۱۶۳
۵. ارائه مطالب به صورت عمومی به مجامع علمی	۱۶۴
اشاره به مواردی از مدل اجرایی	۱۶۴
خلاصه فصل هفت	۱۶۶

فصل هشتم: روش‌شناسی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

ابتنای روش‌شناسی روان‌شناسی اسلامی بر پارادایم دینی	۱۷۰
مباحث کلی در مورد روش روان‌شناسی اسلامی	۱۷۱
مباحث تفصیلی درباره روش در روان‌شناسی اسلامی	۱۷۳
رویکرد روشی نگارنده در مورد روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی	۱۷۷
روش‌های ترکیبی	۱۷۹
تناظر روش‌های کمی و کیفی	۱۸۱
روش تحلیل مضمون	۱۸۳
تحلیل محتوای کیفی	۱۸۸
خلاصه فصل هشت	۱۹۰

فصل نهم: روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی به عنوان موج پنجم در روان‌شناسی

تصویری از موج پنجم روان‌شناسی	۱۹۶
روان‌شناسی قرآن‌بنیان	۲۰۰
روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب	۲۰۳
دانش بومی	۲۰۴
روان‌شناسی بومی	۲۰۶
ویژگی‌های روان‌شناسی بومی	۲۰۷

۲۰۸.....	انتقاد به روان‌شناسی بومی در ایران.....
۲۰۸.....	نسبت روان‌شناسی بومی با روان‌شناسی اسلامی.....
۲۰۹.....	خلاصه فصل نه.....
۲۱۱.....	منابع.....

مقدمه

هدف از طرح «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی»، برجسته‌سازی یک نیاز است. نه اثبات یک مدعا؛ آن نیاز عبارت است از «ایفای نقش روان‌شناسی اسلامی» در «جامعه‌سازی اسلامی». ایفای نقش منطقی و درست، نیازمند یک جدول هماهنگ از پژوهش‌ها و اقداماتی روان‌شناختی است که باید انجام شود. این پژوهش، ترسیمی اولیه از آن جدول هماهنگ را برعهده گرفته است. آن پژوهش‌ها و اقدامات روان‌شناختی با «مسئله‌گزینی از جامعه اسلامی» آغاز می‌شود و پس از آن، مراحل مختلف دیگری است که در فصول کتاب پیش‌رو بدان اشاره خواهد شد. پژوهش درباره «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» در سه حیطه انجام می‌شود:

۱. فلسفه روان‌شناسی اسلامی؛ ۲. مفاهیم و نظریه‌های روان‌شناسی اسلامی؛ ۳. کاربردها و ایفای نقش در جامعه اسلامی. این کتاب با حیطه اول، تناسب بیشتری دارد و معرفی حیطه‌های دوم و سوم، نیاز به تلاش‌های مستقلی دارد.

روان‌شناسی معاصر بیشتر در چارچوب اثبات‌گرایی، تجربه‌گرایی و کارکردگرایی شکل گرفته است. زندگی ما به صورت نوشته و نانوشته، هشیار و ناهشیار تحت تأثیر مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناختی اثبات‌گرایی و نوعی کارکردگرایی قرار گرفته است؛ درحالی‌که جامعه اسلامی و سبک زندگی ما به شدت تشنه و نیازمند علوم انسانی مبتنی بر متون اسلامی است. گفتمان روان‌شناسی بومی و احیاناً اسلامی در کشور ما نیاز به یک بازبینی و خودانتقادی جدی دارد. کتاب حاضر ضمن قدردانی از همه تلاش‌های انجام‌شده، با تواضع و احترام نسبت به همه اساتید و همکاران، نسبت به این خودانتقادی اقدام کرده است. روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی به اندازه کافی به ایفای نقش در حل مسائل روان‌شناختی

جامعه اسلامی نپرداخته و تلاش‌های علمی پیشین، حالت ترمیمی و اصلاحی داشته است. این پژوهش مدعی است که نقشه راهی را برای «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» ترسیم کند. نگارنده در این کتاب می‌کوشد ضمن برشمردن ارکان مختلف روان‌شناسی، درباره کم و کیف اسلامی بودن آنها بحث کند. بدیهی است که رفتن در راه نارفته بسیار دشوار خواهد بود و امکان خطا بیشتر؛ همچنین کتاب حاضر ممکن است نارسایی‌های فراوانی داشته باشد که امید است خوانندگان محترم آن کمبودها و نارسایی‌ها را شناسایی کنند و با اهدای آنها به این بنده کوچک، موجب تقویت آن در ویرایش‌های بعدی شوند.

این پژوهش چند تفاوت آشکار با تحقیقات پیشین دارد: الف) روان‌شناسی اسلامی را افزون بر «جایگاه علمی بالا» در جایگاه «خدمت‌رسانی به جامعه‌سازی اسلامی» ملاحظه می‌کند؛ ب) «روان‌شناسی اسلامی» را در قالب «هندسه معرفتی اسلام» و به عنوان جزئی از آن می‌بیند و ارتباط روان‌شناسی با دیگر علوم اسلامی را ملاحظه و تبیین می‌کند؛ ج) کل «هندسه معرفتی اسلام» را به عنوان یک «سیستم مفهومی جامع» لحاظ می‌کند و «روان‌شناسی اسلامی» را نیز به عنوان یک سیستم فرعی از آن می‌شناسد و به لوازم آن ملتزم است و د) روان‌شناسی اسلامی را برخلاف بیشتر تحقیقات پیشین با رویکرد حداکثری و تأسیسی در نظر می‌گیرد.

این اثر بیشتر در پی زمینه‌سازی برای ریل‌گذاری است و مدعی نیست که با فوریت تغییری پدید می‌آید، ولی اگر تغییر ریل حاصل نشود؛ انتظار نمی‌رود که نتیجه مطلوب حتی در بلندمدت به دست آید. تغییر ریل از «تکیه و تأکید صرفاً نظری و مفهومی بر ادبیات متراکم روان‌شناسی معاصر و تولید روان‌شناسی اسلامی در پارادایم جاری» به «پررنگ کردن صبغه کاربردی روان‌شناسی در حل مسائل روان‌شناختی جامعه اسلامی و وارد کردن مسائل و حل مسائل جامعه خودی به چرخه آموزش و پژوهش‌های روان‌شناختی در دانشگاه‌ها» منظور است؛ در این صورت به تدریج مسائل روان‌شناختی جامعه حل شده، محصولات علمی آن می‌تواند به متن دانشگاهی در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی تبدیل شوند. در این مسیر، اگر جامعه علمی روان‌شناسی به کندی هم حرکت کند، چون راه درست است، منطقاً انتظار موفقیت می‌رود.

هر فصل از این کتاب به یکی از ارکان یا بخشی از یک رکن روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی می‌پردازد؛ همچنین کتاب پیش‌رو موجودیت و عینیت روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی را به مخاطب ارائه نمی‌کند، زیرا چنین کاری از عهده یک نفر و در مدت زمان اندک

برنمی‌آید بلکه تنها یک نقشه راه ارائه خواهد داد که در طول زمان پیموده شود. بدیهی است که بخشی از مطالب این کتاب با رویکردهای دیگر در روان‌شناسی اسلامی، مشترک خواهد بود، ولی مخاطب در هر فصل به مطالبی ارجاع داده می‌شود که تعیین‌کننده و جداکننده رویکرد تأسیسی از رویکرد ترمیمی است.

در پایان لازم می‌دانم از همه کسانی که به نوعی در شکل‌گیری و تقویت این اثر همکاری کرده‌اند کمال تشکر را داشته باشم: از مدیر محترم گروه روان‌شناسی پژوهشگاه، آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد، معاونت پژوهش حوزه علمیه و دبیرخانه حمایت از پژوهش‌ها و نیز از حجج اسلام آقایان دکتر محمدرضا سالاری‌فر و دکتر جعفر هوشیاری که ارزیابی‌ تفصیلی این اثر را برعهده داشته و در دو نوبت آن را خوانده و با تذکرات ارزشمند خود بر اتقان آن افزوده‌اند و نیز از حجج اسلام آقایان دکتر محمد مهدی صفورائی و دکتر محمدرضا احمدی که در کمیته روان‌شناسی مربوط به دبیرخانه حمایت از پژوهش‌ها، این اثر را بررسی دقیق کردند.

فصل اول

چیستی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

پیش‌فرض نگارنده این کتاب آن است که دانشجویان در نیم‌سال‌های قبل، دروس فراوان روان‌شناسی را خوانده و یافته‌های روان‌شناسان معاصر را در سطح کارشناسی ارشد آموخته‌اند؛ بر این اساس کتاب حاضر در جهتِ مفهوم‌سازی‌های علمی-روان‌شناختی در اذهان دانشجویان تلاش زیادی نخواهد کرد، بلکه می‌کوشد مفاهیم روان‌شناختی-اسلامی را برای کسانی ارائه کند که با روان‌شناسی و مفاهیم آن آشنا هستند.

آشنایان با وضع فرهنگی کشور اسلامی ایران می‌دانند که در حدود یک قرن تلاش بر آن بوده است که کتاب‌هایی در دسترس عموم قرار گیرد یا در دانشگاه‌ها تدریس شود که با دین ارتباط خوبی ندارد؛ همان رویکردی که می‌خواست مساجد و مدارس دینی بسته شود، مجالس عزاداری و روضه‌خوانی‌ها ممنوع و چادرها برداشته شود، همان رویکرد نیز در زمینه علوم و مواد آموزشی و تحقیقاتی حضور داشت و این متون را پیشنهاد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران به رواج مساجد، مدارس دینی و مجالس عزاداری و... توجه داشته، لازم است که نسبت به علوم و مواد آموزشی و تحقیقاتی، به‌ویژه علوم انسانی، از جمله روان‌شناسی نیز توجه کافی داشته باشد. نگارنده در نوشته‌های مختلف، روان‌شناسی اسلامی را با اصطلاحات گوناگون مطرح کرده است؛ این اصطلاحات با یکدیگر هماهنگی و انسجام معنایی دارند و یکدیگر را نفی نمی‌کنند، ولی هر کدام به یک ویژگی اشاره دارند و از یک جهت به این مسئله می‌نگرند. در فصول مختلف این کتاب به برخی از مفاهیم اشاره و در فصل پایانی نیز تبیین بیشتری برای هر کدام از آنها ارائه خواهد شد.

منظور از «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» این است که در این رویکرد، صاحب‌نظران

روان‌شناسی اسلامی برای تحصیل موافقت ارکان مختلف روان‌شناسی اعم از مبانی، پیش‌فرض‌ها، روش‌ها، موضوعات و مسائل، مفاهیم اساسی، اهداف نظری و کاربردی با آموزه‌های اسلامی ضروری دانسته‌اند که از پارادایم جاری روان‌شناسی معاصر عبور کنند؛ آنان پژوهشگران روان‌شناسی اسلامی را به آن‌سو سوق می‌دهند که نه‌تنها در سطح «کاربست روش‌های پژوهش»، بلکه در سطح «وارسی مبانی فلسفی روش‌ها» و نیز در سطح «نگاه پارادایمیک» اقدام کنند (موسوی و محمدی‌فرد، ۱۴۰۰)؛ در این صورت چشم‌انداز پژوهش‌های روان‌شناختی-اسلامی در بلندمدت به گونه‌ای خواهد بود که می‌تواند تعبیر «رویکرد تأسیسی» بر آن صدق کند.

آیا روان‌شناسی اسلامی با رویکردهای موجود می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی باشد؟

این کتاب ناظر به روان‌شناسی معاصر نیست، بلکه به دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد که به اسلامی شدن تنها بعضی از ارکان روان‌شناسی رضایت داده‌اند؛ هرچند در فصول مختلف به آن دیدگاه‌های روان‌شناسی اسلامی نیز اشاره می‌شود. برخی از آن دیدگاه‌ها را از ارجاعات درون‌متنی مباحث مختلف همین کتاب می‌توان دریافت؛ به عبارت دیگر این کتاب یک مباحثه درون‌گفتمانی و ناظر به فعالیت‌های داخل گفتمان «روان‌شناسی اسلامی» است. روان‌شناسی معاصر تقریباً در تمام ارکان یعنی «روش، هدف، موضوع، پیش‌فرض‌ها، مبانی، مفاهیم اساسی و...» با روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی ناهماهنگ و ناسازگار است و نیاز به بررسی تفصیلی نیست. بسیاری از صاحب‌نظران روان‌شناسی معاصر و فیلسوفان روان‌شناسی معاصر بر این مطلب تأکید و اظهار ناخرسندی کرده‌اند.

نبود انسجام و جامعیت در روان‌شناسی معاصر

روان‌شناسی معاصر مبانی درستی از انسان ارائه نمی‌دهد، یک نظام جامع روان‌شناختی ندارد، بلکه گاهی رویکردهای متضادی را ارائه می‌کند. استمرار مسیر روان‌شناسی معاصر، عملاً روان‌شناسی را با نابسامانی روبه‌رو ساخته است. ماریو بونژه و روبن آردیلا معتقدند که روان‌شناسی قرن بیستم همانند تابلوی نقاشی بزرگی است که دربردارنده موضوعاتی بسیار

پراکنده و سرشار از رنگ‌هاست؛ به‌گونه‌ای که آن را یا دیوانه‌ای نقاشی کرده و یا هنرمندان با هنرها و حرفه‌های متفاوت و مکتب‌های مختلف آن را ترسیم کرده‌اند. در این نقاشی بزرگ، هیچ طرح و الگویی مشاهده نمی‌شود. به نظر گنج، روان‌شناسی معاصر به طرز ناامیدکننده‌ای شاخه‌شاخه است و جورچین درهمی است که راه به جایی نمی‌برد» (بونژه و همکاران، ۱۹۸۷). بعضی از صاحب‌نظران برای توجیه این درهم‌ریختگی گفته‌اند که به اقتضای کثرت‌گرایی بدین‌گونه عمل شده است؛ کسانی مثل بونژه و وولف امید داشتند که روزی روان‌شناسی به صورت یک علم منسجم و روشمند و بالنده در یک نظام واحد قرار گیرد؛ هرچند دستیابی به چنین هدفی، احتمالاً به زمان طولانی نیاز دارد، اما امید به شکل‌گیری آن منتفی نیست (ابوترابی، ۱۳۹۸). روان‌شناسی معاصر می‌تواند به صورت پراکنده در حلّ بعضی مسائل روان‌شناختی جامعه اسلامی ایفای نقش کند، اما نمی‌تواند رسالتی را بر دوش بکشد که اسلام، جامعه اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب برعهده روان‌شناسی گذاشته است. در چهار دهه گذشته تلاش‌های فراوانی در اسلامی‌سازی روان‌شناسی انجام شده، اما همه آنها با رویکردی ترمیمی بوده است؛ درحالی‌که برای ایفای نقش کامل‌تر روان‌شناسی در جامعه‌سازی اسلامی، نیاز به روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی احساس می‌شود. اگر اسلامی‌سازی روان‌شناسی با همین جهت‌گیری پیش رود، در آینده نیز ایفای نقش لازم در «جامعه‌سازی اسلامی» را نخواهد داشت؛ بنابراین ضرورت تغییر و رفتن به سوی رویکرد «تأسیسی» معلوم است، حتی اگر سرعت این تغییر زیاد نباشد و بسیار کند و لاک‌پستی باشد. بعضی از ویژگی‌های روان‌شناسی اسلامی با رویکرد «ترمیمی» و سپس با رویکرد «تأسیسی» در فصل‌های بعدی توضیح داده می‌شود.

تاریخچه اندیشه روان‌شناسی اسلامی

تاریخ طولانی روان‌شناسی فلسفی را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد؛ دوره نخست از عصر فلاسفه یونان باستان آغاز و تا پایان قرون وسطی ادامه می‌یابد. دوره‌ای دوهزارساله که در خلال آن بحث از روح، ماهیت آن و رابطه‌اش با بدن، موضوع اصلی «علم‌النفس» را تشکیل می‌داد و البته بیشتر مباحث روان‌شناسی همچون یادگیری، شخصیت و... نیز در پوشش عناوینی غیر از اینها مطرح می‌شد. این دوره مورد بررسی در پژوهش حاضر نیست.

در دوره دوم، یعنی از زمان دکارت تا قرن نوزدهم، «ذهن» مطرح می‌شود و به ظاهر جای «روح» را گرفته، و محور بحث‌های روان‌شناختی فلاسفه قرار می‌گیرد. روان‌شناسی از روش استقراء بهره می‌گیرد و فرایندهای روانی، به‌ویژه احساس، ادراک حسی و تداعی معانی را بحث می‌کند. از نظر دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰)، موضوع روان‌شناسی «انسان» نیست، بلکه «نفس» وی و محتویات آن است که دارای سه عملکرد است: عقلانی شناختی، ارادی و حسی؛ دکارت به وجود دانسته‌های فطری معتقد بود؛ در مقابل دکارت، فلاسفه انگلیسی تجربه‌گرا جریان فکری بسیار پراهمیتی را مطرح ساختند. آنها برخلاف دکارت منبع اصلی معلومات را «حواس» دانسته و تلاش عمده خود را بر بررسی و کشف ماهیت و قانونمندی «ذهن» انسان متمرکز ساخته بودند؛ از این‌رو روان‌شناسی تحت‌تأثیر آنها به مطالعه احساس، ادراک و تحلیل حالت‌های ذهنی تقلیل یافت و نیز روش «تعقلی» جای خود را به «مشاهده» و «درون‌نگری» داد و زمینه برای کار آزمایشگاهی مهیا شد.

در فلسفه اسلامی نیز به مسائل روان‌شناختی می‌پرداختند، برخی از کتاب‌های فلسفی، بخشی را با عنوان «علم النفس» آورده‌اند. در بخش «علم النفس»، افزون بر پرداختن به مباحث فیزیولوژیک و حواس ظاهری به امور مربوط به بُعد انسانی نیز توجه زیادی شده است. از بحث‌های اولیه علم النفس این است که سه نوع نفس نباتی، حیوانی و انسانی تصویر می‌شود. نفس نباتی شامل تغذیه، رشد و تولیدمثل است. نفس حیوانی، افزون بر آن، حواس و حرکت ارادی نیز دارد و نفس انسانی در مرتبه‌ای برتر دارای ادراک کلی و افعال اختیاری است. در بخش علم النفس با تفصیل بسیار به نفس انسانی پرداخته می‌شود؛ از آن جمله است: تجرد نفس و اثبات آن از راه‌های گوناگون، نظریات مختلف در ارتباط نفس و بدن و نحوه آغاز و پایان این ارتباط، قوای فراوانی که زمینه‌ساز این رابطه هستند و انگیزه‌هایی که از این قوا ناشی می‌شوند، غایتی که برای هر شخص انسانی متصور است و...؛ این موضوعات همه از مباحث بسیار مهمی هستند که امروزه در روان‌شناسی به آنها پرداخته نمی‌شود.

بیشتر عالمان شیعه اعم از فیلسوفان، عارفان و عالمان اخلاق مطالب فراوانی درباره مسائل و موضوعات روان‌شناسی بیان کرده‌اند؛ کسانی همچون فیض کاشانی، میرفندرسکی، میرداماد، شیخ بهائی، کاشفی، خواجه نصیرالدین طوسی و... همچنین صاحب‌نظران معاصرمانند آیت‌الله محمدتقی جعفری، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی و... مطالب

فراوانی در حوزه روان‌شناسی ارائه کرده‌اند. البته سخنان این افراد غالباً با رویکرد نظری و فلسفی است؛ اگرچه بعضی از آنان همانند فیض کاشانی به مسائل کاربردی نیز پرداخته است. علامه محمدتقی مصباح یزدی درباره انحصار روان‌شناسی معاصر در روش تجربی موضع‌گیری‌هایی دارد؛ چرا که در زمان ایشان، روان‌شناسی با برجسب غالب «تجربی» شناخته شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰).

پیشینه‌های علمی

به باور برخی پژوهشگران همچون کاپلی و اسکینر از دهه ۱۹۷۰، آگاهی رو به رشدی در ادبیات آکادمیک، به‌ویژه در میان روان‌شناسان مسلمان در زمینه درک عمیق‌تر روابط بین اسلام و روان‌شناسی پدید آمده است (الکرام، ۲۰۱۸). این توسعه زمانی مهم‌تر به نظر می‌رسد که تاریخ‌نگاران و روان‌شناسانی چون برت (۱۹۲۱)، فراق (۲۰۰۰)، دیوید و باچانان (۲۰۰۳) و دیگران اذعان کرده که دانشمندان مسلمان از قرن ۸ تا ۱۳ میلادی نقش مهمی در شکل‌گیری روان‌شناسی مدرن ایفا کرده‌اند. آنها آثار فراوانی از دانشمندان اسلامی همچون یعقوب ابن اسحاق کندی، ابوزید سهل بلخی، علی بن عباس ایرانی، ابونصر فارابی، ابن‌هیثم، ابن‌رشد، ابن‌سینا، ابن‌طفیل، ابن‌حزم اندلسی، علی بن سهل ربانی طبری و ابوحامد غزالی را نام برده‌اند (رفیعی هنر، ۱۳۹۹).

«روان‌شناسی دین» در کشورهای غربی از چندین دهه پیش، به‌طور گسترده مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است؛ دیدگاه‌های فراوان و مختلف روان‌شناسان معروفی چون فروید، یونگ، اریکسون، ویلیام جیمز، اریک فرام، گوردون آلپورت، آبراهام مزلو و... که در کتاب‌های روان‌شناسی دین به گستردگی به آنها پرداخته می‌شود شاهد این مدعا است، اما «روان‌شناسی دینی» و «روان‌شناسی باورهای دینی»، کمتر مورد توجه و تحقیق واقع شده‌اند؛ برای نمونه ال. بی. براون در کتاب روان‌شناسی باورهای دینی به موضوعاتی مثل تعریف باورمندی و بی‌باوری، مقایسه باورها و ارزش‌ها و عقاید دینی، ساختار دین، ابعاد دین، شاخص‌های دین، روش‌های سنجش دین، دین و زندگی اجتماعی و... می‌پردازد. او جهت ارائه تحلیلی روان‌شناختی از دین و باورهای دینی از تمام داده‌ها و روش‌های روان‌شناسی اجتماعی بهره برده است. مطالعات مربوط به «روان‌شناسی اسلامی» را باید در جوامع و کشورهای اسلامی جستجو

کرد. زمانی افراد به صورت منفرد به روان‌شناسی اسلامی علاقه‌مند می‌شدند و در این زمینه فعالیت می‌کردند؛ مثلاً دکتر عبدالکریم عثمان، قریب پنجاه سال پیش (قبل از دهه ۱۳۴۰ش) کتاب *الدراسات النفسیة عند المسلمین والغزالی* بوجه خاص را تألیف کرد. دکتر حسن محمد شرقاوی قریب سی سال پیش کتاب *نحو علم النفس الاسلامی* را تألیف کرد. دکتر محمد عثمان نجاتی در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۸ در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های کویت به ارائه سخنرانی در این باره پرداخت و در سال ۱۹۸۱، کتاب *قرآن و روان‌شناسی* را تألیف کرد. اکنون اگر این دست از آثار منفرد را که فهرست آن در منبع‌شناسی پایان می‌آید کنار هم قرار دهیم و از ابتدا تا انتها، آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم روند نسبتاً موفق و قابل قبولی را مشاهده خواهیم کرد.

روند روان‌شناسی اسلامی در قرن حاضر نیز از چهار دوره مختلف با عناوین تمهید، پالایش، موج اول دوره تأسیس، دوره مقایسه و موج دوم دوره تأسیس عبور کرده است (رفیعی‌هنر، ۱۴۰۲).

این روند در حال حاضر نیز ادامه دارد، اما نه در مقیاس فردی بلکه در سطح پژوهشگاهی و دانشگاهی؛ مراکزی همچون دانشگاه علوم پزشکی ایران و انستیتو روان‌پزشکی، آستان قدس رضوی، دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه الزهراء و... تلاش‌هایی در این مسیر داشته‌اند. گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی و بعضی دیگر از دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در قم^۱ نیز این امر را وجهه همت خود قرار داده‌اند.

روان‌شناسی مبتنی بر دین در ادیان دیگر نیز مورد توجه بوده است؛ برای نمونه در مسیحیت جیمز استالکر^۲ کتاب *روان‌شناسی مسیحی*^۳ و اریک جانسون^۴ کتاب *مبانی مراقبت روح: طرحی برای روان‌شناسی مسیحی*^۵ را نوشته‌اند. در یهودیت سیمور هافمن^۶ کتاب *روان‌درمانی و یهودیت*^۷

۱. برای نمونه: مؤسسه اخلاق و تربیت، دانشکده قرآن و حدیث مؤسسه دارالحدیث، مؤسسه امام رضا (علیه السلام)، مجتمع آموزش عالی علوم و قرآن و مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی و... .

2. James stalker

3. Christian Psychology

4. Jonson Eric

5. Foundations for soul car: A Christian psychology proposal

6. Seymour Hoffman

7. Issues in psychology, Psychotherapy, & Judaism

و آرون رابین ویتز^۱ کتاب یهودیت و روان‌شناسی: رویکرد تعاملی^۲ را نگاشته‌اند. در بودیسم نیز کالوپاهان^۳ کتاب اصول روان‌شناسی بودایی^۴ را نوشته و پیکرینگ^۵ در کتاب منابع تجربه^۶ حدود ده مقاله درباره روان‌شناسی بودایی آورده است (پسندیده، ۱۳۹۴). رژیم اشغالگر قدس و صهیونیسم به روان‌شناسی اهتمام ورزیده و دستاوردهای آن را در راستای نگرش تجاوزگرانه خود و مدیریت چالش‌های منطقه‌ای به سود خود در داخل و خارج فلسطین اشغالی به کار گرفته‌اند (عانی، ۱۳۸۵).

فریز واتس^۷ از دانشگاه کمبریج می‌گوید: «روان‌شناسی و دین پژوهش و بررسی برجسته درباره چیزهایی است که ما درباره روان‌شناسی و دین می‌دانیم»؛ همچنین پروفیسور مایکل ارگیل^۸ در کتاب روان‌شناسی دین (از آثار نسبتاً جدید در این حوزه) اظهار می‌دارد که: «من به هر دو موضوع روان‌شناسی و دین ایمان دارم و بر این اعتقادم که در نهایت این دو مقوله، هماهنگ و درهم‌تنیده خواهند شد. دین بخش مهم و برجسته‌ای از زندگی و تجربه انسان است و روان‌شناسان چیزهایی از آن می‌آموزند» (سهرابی، ۱۳۸۰).

اصطلاح «روان‌شناسی اسلامی»^۹ برای نخستین بار در سال ۱۹۶۲ در مقدمه کتاب *الدرسات النفسیه عند المسلمین والغزالی* بوجه خاصه به تقریر سخنان دکتر احمد فواد الأهلوانی آمده است. ایشان در تعریف روان‌شناسی اسلامی می‌گوید: «روان‌شناسی اسلامی شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مباحث دینی نزد مسلمانان می‌پردازد» (صالح بن ابراهیم، ۱۹۹۵) و غروی (۱۳۹۴) در تعریف دیگری از روان‌شناسی اسلامی می‌گوید: «روان‌شناسی اسلامی مطالعه علم رفتار می‌باشد که با فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی متناسب است».

1. Aaron Rabinowitz

2. Jadaism and psychology: Meeting Points

3. David J. Kolupahana

4. The Principles of Buddhist Psychology

5. John Pickering

6. The Authority of Experience, Essays on Buddhism and Psychology

7. Faraes Watts

8. Michael Argyl

۹. یادآوری می‌شود که تعریف «روان‌شناسی اسلامی» و دیدگاه موردنظر این نویسنده با آنچه در اینجا بیان شد، متفاوت است؛ دیدگاه منتخب در مباحث بعدی به تفصیل بیان خواهد شد.

از نظر فؤاد ابو حطب (۱۹۹۳) تلاش‌هایی برای پایه‌ریزی روان‌شناسی اسلامی شده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱. بنا نهادن «روان‌شناسی دینی با ماهیت اسلامی» از سوی احمد فؤاد اهوانی در سال ۱۹۶۳؛

۲. پی‌ریزی «روان‌شناسی عربی اسلامی» از سوی محمد رشاد خلیل

۳. بنیان‌گذاری «روان‌شناسی قرآنی» از سوی عبدالوهاب حموده بود در نیمه دهه پنجاه؛ این گرایش به «رابطه میان قرآن و روان‌شناسی» از دیدگاه روان‌شناسی می‌پردازد. فعالیت‌های محمد عثمان نجاتی و عدنان شریف نیز در این عرصه است.

۴. بنا نهادن «روان‌شناسی اسلامی صوفیانه» یا «تصوف روان‌شناختی» از سوی حسن شرقاوی، مصطفی محمود و عامر نجار؛ این افراد معتقد بودند که تاریخ متصوفان راستین نشان می‌دهد که آنان از سازگاری روحی، عقلی و اجتماعی برجسته‌ای برخوردار بودند و روان انسان را خوب می‌فهمیدند و روان‌پزشکان برجسته‌ای بودند.

۵. پی‌ریزی «روان‌شناسی شیعی» از سوی محمود بستانی؛ او مبانی نظری خود را بر سخن و سیره امام علی (علیه السلام) بنا نهاد.

۶. پژوهش‌های روان‌شناختی در میراث دانشمندان مسلمان که بر بازخوانی میراث عربی و اسلامی نگاشته‌شده درباره روان آدمی قرار دارد (عانی، ۱۳۸۵).

محمد شرقاوی (۲۰۰۲) بر تصوف و آرای صوفیه تمرکز دارد و کتابی در چهار باب و ۳۵ فصل درباره روان‌شناسی اسلامی نگاشته است؛ دکتر عانی با نقد از شرقاوی بیان می‌کند که هرچند وی صوفی راستین است و نباید سرزنش شود، اما او حق ندارد همه آنچه را که در کتب صوفیه آمده است، «روان‌شناسی اسلامی» بنامد.

نزار عانی (۱۳۸۵) در کتاب اسلام و روان‌شناسی، مفهوم پایه‌گذاری «علم اسلامی» را این‌گونه بیان می‌کند: «فرایند بازسازی علوم اجتماعی براساس مفهوم اسلامی انسان، جامعه و هستی با کاربرد روشی که در آن وحی درست و واقعیت خارجی قابل مشاهده (به عنوان دو منبع شناخت) با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ به‌گونه‌ای است که آن مفهوم اسلامی به مثابه چارچوب نظری برای تفسیر مشاهدات جزئی عینی و قوانین عام تجربی و نیز نظریه‌پردازی در این علوم به طور عام به کار برده می‌شود».

فاروقی اندیشمند فلسطینی و پیشگام در اسلامی‌سازی معرفت می‌گوید: دانشمندان مسلمان می‌خواهند نیازهای اجتماعی‌شان را از راه علوم اجتماعی غربی برطرف سازند؛ درحالی‌که این علوم در تطابق با اهداف غربی‌ها تأسیس شده و در ایدئولوژی و جهان‌بینی غربی ریشه دوانده است و با ارزش‌های اسلامی در تضاد است (قربانی، ۱۳۹۳)؛ همچنین متفکرانی مانند علی‌پایا (۱۳۸۶) با اسلامی‌سازی علوم مخالف هستند و آن را نشدنی می‌دانند و این جریان را یک جریان غیرعلمی و احساسی به منظور اعاده هویت و حیثیت از دست‌رفته مسلمانان در برابر رشد علمی و فن‌آوری غرب می‌دانند. افراد دیگری نیز مانند محمود امین‌العالم، نصر حامد ابوزید، عزیز العظمه مصری، بسام طیبی سوری، علی حرب لبنانی و... نیز با اسلامی‌سازی معرفت مخالفت و آن را رادیکالیسم سیاسی و واپس‌گرایی ایدئولوژیک و اجتماعی معرفی کردند.

اکنون «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» ماهیتی بالفعل و تحقق یافته ندارد؛ نویسندگانی مثل محمد عثمان نجاتی (۱۳۹۱) و محمد بستانی گویا «روان‌شناسی اسلامی» را علمی پیشینی دانسته‌اند، اما این رویکرد محدودیت‌هایی دارد که نمی‌توان آن را پذیرفت (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶). می‌توان «ماهیت روان‌شناسی اسلامی» را دارای ماهیتی پسینی دانست، ولی باید بر پیش‌فرض‌های آن تصریحی کامل داشت. در این پژوهش «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» یک رشته علمی صرفاً تجربی (science) شناخته نمی‌شود، بلکه به معنای مطلق معرفت است که معادل با knowledge است. وقتی صحبت از «روان‌شناسی اسلامی» می‌شود مقصود یک ترکیب وصفی است؛ یعنی واژه «اسلامی» صفت برای «روان‌شناسی» است. امروزه در غرب مرزهای روان‌شناسی و دین، روزبه‌روز بیشتر درهم‌تنیده می‌شوند و دین و روان‌درمانی در حال ادغام شدن با یکدیگرند (اسپیلکا و دیگران، ۱۳۹۰). متن تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۱ نیز همچنان مشکلات معنوی و مذهبی را «اختلال‌های روانی مشخص» دانسته است. بسیاری از حوزه‌های نامکشوف در رفتار، ذهن و روان آدمی وجود دارند که روان‌شناسی تجربی هنوز در کشف و پرده‌برداری از آنها ناکام مانده است (اعتمادی‌نیا و احمدی، ۱۳۹۵). در دهه‌های اخیر، گرایش به سوی تحقیقات کیفی در روان‌شناسی معاصر افزایش یافته است. یکی از این نمونه‌ها گرایش به

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th Edition, Text Revision

«معنویت^۱» و «روان‌شناسی دین^۲» است (وست، ۳، ۱۳۸۳؛ هالاهمی و آرگایل، ۱۹۹۷). معنویت در نظام روان‌شناسی غربی جایگاه ویژه‌ای دارد (ولف، ۱۹۹۸). با توضیح بیان شده در مورد «علم دینی» مشخص می‌شود که آنچه مورد نظر اسپیلکا و دیگران است «روان‌شناسی اسلامی» نمی‌باشد؛ زیرا «اسلامی» صفت برای «روان‌شناسی» نیست.

گسترده‌ی روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی

در فصل‌های بعد «اسلام» به عنوان «یک سیستم جامع مفهومی» معرفی خواهد شد؛ مبتنی بر ویژگی «سیستمی بودن» شاخه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی به عنوان مجموعه‌ای بزرگ و یکپارچه از معارف الهی ملاحظه می‌شود^۴ و تمام ارکان روان‌شناسی معاصر اعم از مبانی، پیش‌فرض‌ها، مفاهیم اساسی، موضوعات، اهداف نظری و کاربردی، روش‌ها، مسائل، کاربردها و... در هندسه معرفتی اسلام شناور خواهد بود و هرگونه تأثیر منطقی را از آن هندسه معرفتی خواهد پذیرفت؛ این تأثیرپذیری مشابه «تغییرات شیمیایی» است، نه «تغییرات فیزیکی». آنچه از این «شناورسازی» حاصل می‌شود همان «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» خواهد بود و در این تغییرپذیری، آنچه از روان‌شناسی معاصر حذف می‌شود اندک خواهد بود.^۵ تغییرات کلی دو نوع خواهد بود: الف) تعمیم^۶ در ابعاد مختلف مثل مبانی، مسائل، اهداف،

1. Spiritualism
2. Psychology of religion
3. West

۴. این مجموعه اجزای کوچک و بزرگی دارد که از انسجام و هماهنگی برخوردار است؛ از کلی‌ترین دیدگاه‌ها مثل نگرش به هستی، انسان، فیزیک و متافیزیک تا کوچک‌ترین و جزئی‌ترین دستورالعمل‌های اجرایی آن مانند ضرورت مسواک زدن، انگیزه محبت به همسایه، پوشیدن لباسی خاص و... آنها با همدیگر تلائم و انسجام دارند و یک مجموعه به هم پیوسته را شکل می‌دهند. این آموزه‌های ریز و درشت، ما را برای ساختن و داشتن یک روان‌شناسی مناسب با همین میدان معنایی تجهیز می‌کند. این «روان‌شناسی اسلامی» به لحاظ روش، اهداف، کاربردها، مسائل و... تناسب کامل با این میدان معنایی و سیستم مفهومی دارد.

۵. دو نوع حذف متصور است: الف) آنچه که با نقد علمی مکاتب دیگر حذف می‌شود که این نوع حذف همواره بین مکاتب جاری بوده است؛ ب) آنچه از مطالعات و کاربردهایی که با سوگیری‌های نژادی، سیاسی، اقتصادی و... شکل گرفته است.

6. T0 make prevalent

روش‌ها، کاربردها و...؛ ب) تفاوت حاصل شده از سوی چینش^۱ مطالب و اهم و مهم کردن آنها.^۲ در تغییر نوع اول (تعمیم)، بعضی از مفاهیم اساسی روان‌شناسی اسلامی که در روان‌شناسی معاصر وجود ندارند افزوده خواهد شد؛ مفاهیمی مثل نفس، روح، قلب، معادباوری، خداباوری، مادی و مجرد، دین‌باوری، باور به غیب و شهود، وحی و نبوت، ایمان و... که حضوری بسیار پررنگ دارند و برخی مفاهیم دیگر که اکنون در روان‌شناسی معاصر وجود دارند، اما نگاه به آن در روان‌شناسی اسلامی متفاوت است؛ مانند شخصیت، بهنجار و نابهنجار، آسیب و درمان، هدف زندگی، کمال‌خواهی، آرامش‌طلبی.

در این صورت «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی»، یک مجموعه بزرگ یکپارچه‌ای خواهد بود که با تمام انواع آموزه‌هایش یک کل واحد و منسجم بزرگ را می‌سازد و اجزای آن به صورت «سیستم و زیرسیستم»^۳ به هم مربوط هستند. وقتی روان‌شناسی معاصر اعم از مبانی، مفاهیم اساسی، پیش‌فرض‌ها،^۴ موضوعات، اهداف، روش‌ها، مسائل، کاربردها، فواید، ارزشمندی‌ها، مباحث جانبی و... به صورت یک‌جا به آموزه‌های اسلامی عرضه شود به بخشی از آن مجموعه بزرگ معرفتی تبدیل خواهد شد و در این صورت ممکن است بخش‌هایی از روان‌شناسی معاصر تحلیل رود، مثل آنچه سوگیری‌های اخلاقی، نژادی و... به همراه دارد و بخش‌هایی دیگر در کنار آن ایجاد می‌شود همچون مفاهیم روان‌شناختی فراوانی که از آیات و روایات استخراج می‌شود. پس آنچه به دست می‌آید با آنچه اکنون وجود دارد متفاوت خواهد بود؛ این تفاوت کمتر از جانب «حذف» خواهد بود.^۵

1. Arrangement

۲. برای مثال در روان‌شناسی معاصر این‌گونه بحث نمی‌شود که روح وجود ندارد، ولی محتوای مواد درسی، ترتیب قرار گرفتن آنها و درجه اهمیتی که به بعضی موضوعات داده می‌شود ذهنیت دانشجو را به گونه‌ای پیش می‌برد که در پایان دوره کارشناسی احساس بی‌نیازی به امری به نام «روح» می‌کند، وقتی از دوره کارشناسی ارشد و دکتری فارغ‌التحصیل شود، گویا همه نیازهای علمی خود را برآورده است؛ درحالی‌که می‌تواند هیچ باوری به روح نداشته باشد، اما واقعیت این است که در بعضی از نقاط عطف مهم علمی، صورت مسئله پاک شده است نه اینکه آن را حل کرده باشد.

3. System & Subsystem

4. Presuppositiones

۵. دو نوع حذف ممکن است از روان‌شناسی معاصر رخ دهد: الف) همان‌طور که مکاتب مختلف روان‌شناسی، یکدیگر را نقد علمی می‌کنند و سبب حذف و اضافاتی در یکدیگر می‌شوند در رهیافت

این روان‌شناسی از روان‌شناسی معاصر، گسترده‌تر خواهد بود چون در مبانی نسبت به آن تعمیم خواهد داشت. نگاه به انسان از بُعد «مادی» به «مادی-معنوی» و از بُعد «دنیاوی» به «دنیاوی-آخرتی» و از نگاه «برشی» و تمرکز بر «اینجا و اکنون»^۱ به «نگاه پیوستاری»^۲ و یکپارچه‌نگر نسبت به گذشته و حال و آینده، حتی آینده پس از مرگ و از نگاه «توصیفی»^۳ صرف به نگاه «توصیفی-تجویزی»^۴ تعمیم خواهد یافت. این تعمیم‌ها در مفاهیم اساسی و رئوس اصلی روان‌شناسی با رویکرد تأسیسی و در اموری همانند موضوع، مسائل، اهداف بنیادی و کاربردی، روش‌ها و... نیز مؤثر خواهند بود. این تعمیم‌ها در دو سطح «مبانی»^۵ و «مفاهیم اساسی»^۶ موجب تغییراتی در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی می‌شود؛ بدین ترتیب روان‌شناسی یادگیری، رشد، انگیزش و هیجان، شخصیت، روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی کاربردی مثل کار، صنعت، تبلیغات، تربیت، اخلاق در مباحث فراوان فلسفه روان‌شناسی و... همه گسترده‌تر خواهند شد (کاوینی، ۱۳۷۸).

جامعیت روان‌شناسی اسلامی در سه بُعد «فلسفه روان‌شناسی»، «نظریه‌ها و مفاهیم» و «کاربردها»

این کتاب برای ترسیم جورچینی کلان برای شکل‌گیری «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» نوشته شده، و می‌کوشد کلیتی منسجم از «روان‌شناسی اسلامی» را ترسیم کند. ارکان روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی در این کتاب مورد توجه اجمالی قرار گرفته است. این مباحث در نهایت یک تصویر هماهنگ و منسجم را در فضای ذهنی مخاطب ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌تواند «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» را به عنوان یک رویکرد کلان روان‌شناختی معرفی کند.

اسلامی نیز ممکن است با نقد عالمانه بعضی از نکات غیرعلمی حذف شود. (ب بعضی از مطالعات و کاربردهایی که ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های نژادی، سیاسی، اقتصادی و... شکل گرفته باشند نیز حذف خواهند شد.

1. Here & Now
2. Continuum scale
3. Descriptive
4. Prescriptive
5. Foundations
6. Basic Concepts

در واقع، «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» یک فرانظریه است که نظریه‌ها و رویکردهای مختلف می‌تواند در آن شکل گیرد؛ به عبارت دیگر روان‌شناسی اسلامی در عرض رویکردهای گشتالت، روان‌تحلیل‌گری، انسان‌گرایی، شناخت‌گرایی و... نیست، بلکه در سطحی عمیق‌تر و از جنس «فلسفه روان‌شناسی» است و رویکردهای متفاوتی در شاخه‌ها و سرشاخه‌ها خود می‌تواند داشته باشد که همه اسلامی خواهند بود. این رهیافت، هم در «فلسفه روان‌شناسی اسلامی» سخن ویژه خود را دارد، هم ذیل آن «فلسفه روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» می‌تواند «نظریه‌ها و مفاهیم روان‌شناختی» بسیاری را در درون خود داشته باشد؛ اعم از اینکه در روان‌شناسی معاصر به دست آمده یا مبتنی بر متون دینی و پژوهش‌های دینی شکل گرفته باشد. این رهیافت از روان‌شناسی اسلامی دارای تعدادی مفهوم اساسی است که در تمام مباحث و پژوهش‌های مربوط به آن حضور دارند. چنین رهیافتی ممکن است ده‌ها نظریه را در دل خود ایجاد کند که مکمل یکدیگر باشند؛ برای مثال نظریه‌ای که در «انگیزش» مطرح می‌شود باید با نظریه «شخصیت» هماهنگ باشد و هر دو نیز می‌بایست با نظریه‌های «یادگیری» و «رشد» و... هماهنگ و مکمل یکدیگر باشند.^۱ پرداختن به مفاهیم و نظریه‌هایی که تاکنون حاصل شده‌اند و آنچه باید به تدریج به دست آید، خود اقتضای یک پژوهش مستقل را دارد. این رویکرد در بخش کاربردهای روان‌شناسی مبتنی بر نیازهای روان‌شناختی جامعه اسلامی نیز می‌تواند به تفصیل بررسی شود و در هر یک از حیطه‌های کاربردی مثل کار، بازار، تبلیغات، صنعت، تربیت، خانواده، عملیات روانی، روان‌شناسی قضائی، روان‌شناسی سیاسی و... حضور جهت‌دار داشته باشند. البته در حیطه کاربردها نیز پژوهش‌هایی انجام شده که بیشتر ناظر به روان‌شناسی بالینی و اقتضانات بنیادین آن مثل مباحث شخصیت و رشد می‌باشد و سایر گرایش‌ها مورد غفلت قرار گرفته است.

۱. نظریه مجموعه‌ای از گزاره‌های بهم پیوسته و مکمل هم هستند که پدیده‌ای را از جنبه‌های گوناگون توضیح می‌دهند و روابط حاکم بر آن را برای ما بازگو می‌کنند. نظریه را همسان با منظومه دانسته‌اند. یک نظریه خوب باید چند ویژگی داشته باشد: ۱. تشخیص مسئله اصلی؛ ۲. تعریف دقیق سازه‌های مفهومی؛ ۳. بیان ارتباط بین مفاهیم؛ ۴. توصیف پدیده‌ها مبتنی بر روابط بین متغیرها؛ ۵. تبیین پدیده‌ها مبتنی بر روابط بین متغیرها؛ ۶. انسجام درونی و ارتباط سیستمی بین عناصر مفهومی؛ ۷. نبود تناقض منطقی ابعاد مختلف نظریه؛ ۸. تعمیم نظریه با توجه به شمول آن و ۹. استحکام اصولی در مقابل تغییرات جدید و نیز نظریه‌های مخالف و مهاجم.

موضوعات و قلمرو روان‌شناسی اسلامی

در این کتاب همه ارکانی بررسی خواهد شد که در شکل‌گیری و ارائه یک رویکرد کلان روان‌شناختی مورد توجه است؛ این مباحث باید یک تصویر هماهنگ و منسجم را در فضای ذهنی مخاطب ایجاد کند. در واقع «روان‌شناسی اسلامی با رویکرد تأسیسی» یک فرانظریه است که در شاخه‌ها و سرشاخه‌هایش می‌تواند رویکردهای متفاوتی داشته باشد.

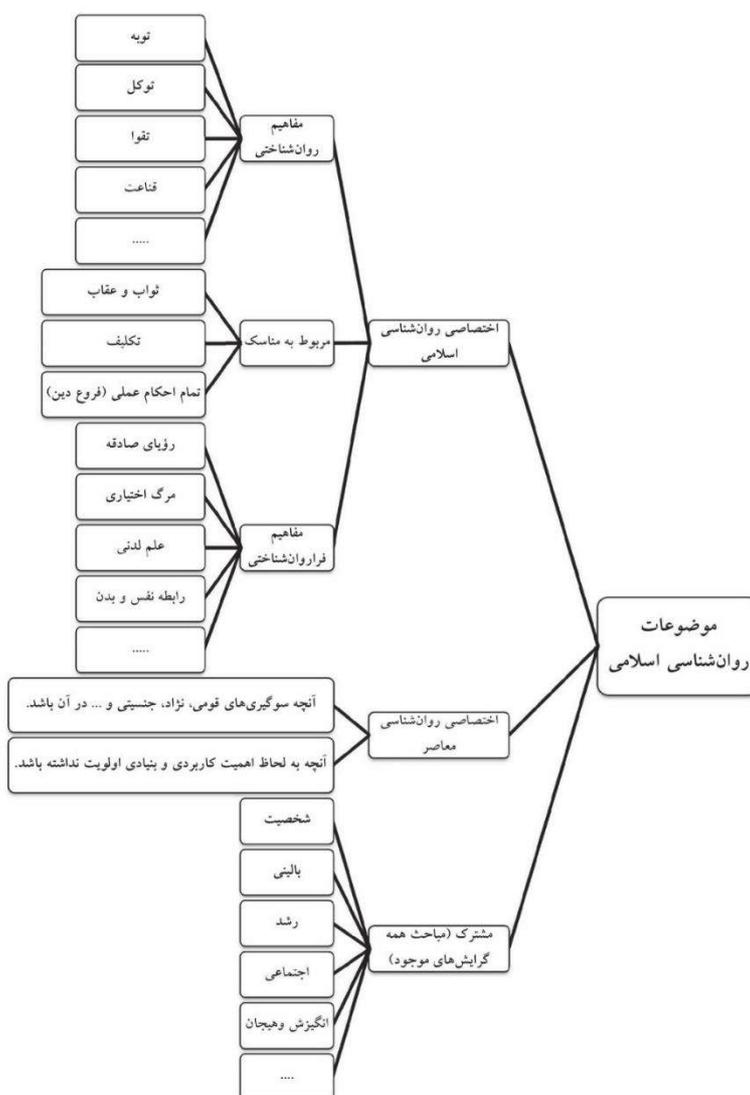
معیار وحدت‌بخش این شاخه معرفتی عبارت از موضوع آن است؛ درباره چیستی «روان‌شناسی معاصر» سخنان زیادی بیان شده و هر کدام از مکاتب روان‌شناسی نیز جهت‌گیری‌های خاص خود را داشته‌اند؛ همچنین در مورد «روان‌شناسی اسلامی» از موضوعاتی مثل نفس، روح، فطرت، عمل و... مباحثی را مطرح کرده‌اند (غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱)، ولی وقتی بخواهیم کل «روان‌شناسی معاصر» را به عنوان یک شاخه علمی تجربی مشتمل بر مبانی نظری، پیش‌فرض‌ها، موضوع، روش، مسائل، هدف، مفاهیم اساسی و... به آموزه‌های اسلامی ارائه کنیم، تغییرهای حاصل از آموزه‌های اسلامی در آن را به رسمیت بشناسیم و نیز آن را در جایگاه یک معرفت اسلامی ببینیم؛ در این صورت به نظر می‌رسد که «روح» به عنوان یک موضوع مورد پذیرش نباشد، چون فقط به بُعد تجردی نفس نظر دارد و بُعد ارتباطی آن با بدن و تجلیات رفتاری‌اش را شامل نمی‌شود. «فطرت» و «عمل» نیز هر کدام فقط بخشی از مسائل روان‌شناسی را پوشش می‌دهند، اما «نفس» می‌تواند موضوع روان‌شناسی اسلامی دانسته شود.^۱ موضوع روان‌شناسی اسلامی باید جامع همه ریزموضوعات باشد؛ ضمن اینکه موضوعات روان‌شناسی معاصر را پوشش می‌دهد باید از زیرموضوعاتی مانند معراج،

۱. بیان مطلب این است که در «روان‌شناسی اسلامی» به روح از حیث «روح بودن» پرداخته نمی‌شود، حتی اگر صحبت از معراج پیامبر ﷺ هم می‌شود مربوط به زمان حیات پیامبر ﷺ است که روح به بدن تعلق دارد و بین مردم برمی‌گردد و آثار معراج زمینی می‌شود. تجرید نفس و رؤیای صادقه و طی الارض و... مربوط است به زمان حیات و تعلق روح به بدن که از آن به «نفس» یاد می‌شود. اموری که به بُعد تجردی نفس مربوط شود و هیچ ربطی به بدن نداشته باشد مورد مطالعه روان‌شناختی قرار نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر روح انسان پس از مرگ هم حضور دارد و اطلاعاتی در متون دینی درباره آن آمده است؛ همچنین در مورد عوالم دیگر و منازل‌الآخره، قیامت، بهشت، جهنم و... اطلاعات زیادی می‌باشد که مربوط به روح انسان است، ولی اینها اصلاً مورد مطالعه روان‌شناختی نیستند. روح تا زمانی که به این بدن تعلق دارد مورد مطالعه روان‌شناسی اسلامی است و در این حالت، از آن با نام «نفس» یاد می‌شود.

رؤیای صادقه، تجرید روح، طی الارض، سحر، امدادهای غیبی، ایثارگری، حضور مشیت الهی در زندگی روزمره و... نیز خالی نباشد.^۱ با این ملاحظات به نظر می‌توان «نفس» را دربردارنده «فطرت»، «عمل» و نیز «بُعدِ تعلقی روح» دانست؛ بنابراین می‌توان «روح» و تجلیات و آثار روحی را نیز به «نفس» نسبت داد و «نفس» را دارای جامعیت لازم و موضوع «روان‌شناسی اسلامی» دانست؛ در این صورت ریزموضوعات آن بسیار گسترده خواهد بود.

موضوعات ریز علم «روان‌شناسی معاصر» و «روان‌شناسی اسلامی» چنان گسترده‌اند که نمی‌توان آنها را برشمرد. جمع این موضوعات در کنار یکدیگر، یک دایرةالمعارف بزرگ روان‌شناسی اسلامی را شکل می‌دهند، ولی می‌توان برای ارائه دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی و موضوعات آن و تفاوتش با روان‌شناسی معاصر به یک تقسیم‌بندی سه‌گانه اشاره کرد (شکل ۱-۱). آنچه در شکل زیر آمده، تنها برای نمونه می‌باشد و برای شمارش همه موضوعات نیست.

۱. روان‌شناسی اسلامی باید بتواند: ۱. برای همه آیات روان‌شناختی قرآن و مفاهیم روان‌شناختی مستخرج از قرآن، تبیینی داشته باشد؛ ۲. برای همه آیات مربوط به پس از مرگ (ثواب و عقاب، و بهشت و جهنم و...) که موجب تغییر در کنش‌های انسانی ما در این دنیا می‌شود تبیین لازم را داشته باشد؛ اگر با مفاهیم یادشده هیچ ارتباطی برقرار نکنند از اسلامی بودن آن کاسته می‌شود.



شکل ۱-۱: ریز موضوعات روان‌شناسی اسلامی

الف) موضوعاتی که در روان‌شناسی معاصر به آن پرداخته شده، اما ممکن است در روان‌شناسی اسلامی اولویت چندانی نداشته باشند یا دارای سوگیری‌های قومی، جنسیتی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، سوگیری در مبانی، در گزینش مسئله، سوگیری ناشی از نظریه‌ها، روش‌ها و مفاهیم باشند (غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱).